

گزارش میز منور

سپتمبر ۲۰۰۳

حقوق بشر و حاکمیت قانون اصلاحات قضایی و قانون اساسی

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

پروگرام تحقیق روی پالیسی انسانی و ناسازگاری

HPCR

پیش‌گفتار

تشکیل این میز مدور در برگیرندهٔ تجهیزات دفاتر دهگانهٔ ولایات، آماده‌سازی و تحقیق، همچنان گفتگو و مفاهمه میان طرفداران حقوق بشر در کابل و کارشناسان قضایی، نمایندگان جامعهٔ مدنی، و دیگران در افغانستان بود. در حمایت از این چالش HPCR علاقمند است تا پیش از همه از اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغان به خصوص کمیشنرها ضیا لنگری، احمد فرید حمیدی و هنگامه انوری که ساعات پیشماری را صرف تلاش و سهمگیری در یک گروه متنوع از کابل و ولایات و همچنان انکشاف یک اجندای نوین و واقعی نموده‌اند تشکر کند. علاوتاً HPCR می‌خواهد از تیا هرمن والنور مگهانی از گروه تعاون بین‌المللی ادارهٔ قضایی کانادا به خاطر رهنمایی و حمایت‌شان از این پروژه قدر دانی نماید. این پروژه با کمک مالی سخاوتمندانهٔ گروه تعاون بین‌المللی ادارهٔ قضایی کانادا و وزارت خارجهٔ پادشاهی ناروی امکان عملی شدن یافت.

فهرست

۲	خلاصهٔ اجراءات
۵	مقدمه
۵	زمينه
۸	ميز مدور در مفهوم
۸	اسلوب
۱۰	گزارش جلسه
۱۰	جلسه I آمادگي براي لويه جرگه قانون اساسي
۱۳	جلسه II قانون اساسي، قانون عرفي و حقوق بشر
۱۵	جلسه III حقوق بشر و متن قانون اساسي و سند حقوق
۱۲	جلسه IV تقرب به قانون اسلام
۲۰	حقوق بشر و قوانين مدني و جزايي
۲۰	سؤالات موضوعات خطاب شده
۲۱	نتيجه
۲۲	اهميت ادامه گفتگو
۲۲	پيغام به افغانها و سياستگذاران بين المللي

پروگرام تحقیق روی پالیسی انسانی و ناسازگاری
کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

حقوق بشر و حاکمیت قانون: اصلاح قانون اساسی و سیستم قضایی
گزارش میز مدور

میز مدور با حمایت سخاوتمندانه اداره قضایی کاناډا تشکیل شد

خلاصه اجراءات

فرصت ها برای سهمگیری عامه افغانها در عملیه ساخت قانون اساسی و اصلاح قضایی به سرعت در حال از دست رفتن است. دهها سال جنگ سیستم حقوقی و فرهنگ قضایی را به ویرانی سپرده است. پروژه اصلاح قانون اساسی و قضایی بر موقعیت تلاش های اعمار مجدد متمرکز خواهد بود. برای اولین بار متخصصین قضایی، رهبران جوامع مدنی، و دیگر گروهها چانس آنرا داشتند تا پایه های قضایی کشور هنوز نا امن خود را به هدف ثبات بیشتر و تغییر تشکل جامعه به طرق با دوامتر باز سازی کنند. گرچه بانزدیک شدن به لویه جرگه قانون اساسی سوالات کلیدی زیادی در مورد نظام نوین قضایی افغان باقی میماند و در بسیاری از افغانها این احساس ایجاد شده است که آنها از این عملیه کنار گذاشته شده اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغان (AIHRC) یک مقام ایده آل گروه های جامعه مدنی و کارشناسان قضایی است که مناظره گسترده در حفظ و یکپارچه سازی نورم های حقوق بشر در سیستم قضایی جدید را به عهده دارد. قیوم میثس شامل هماهنگ سازی نورم های بین المللی حقوق بشر با قانون ملی بوده و مهمتر از آن شاید از دسترسی به هیات های انفرادی یا گروه های که از دولت مرکزی و عصری سازی قوانین حمایت میکنند لذت ببرد. این گزارش میز مدور شامل عناوین و تحلیل های ارایه شده با همکاری AIHRC و (HPCR) پروگرام تحقیق روی پالیسی انسانی و ناسازگاری پوهنتون ها ر وارد بر گزار شد و به عنوان حقوق بشر و حاکمیت قانون یاد میگردد: اصلاحات قانون اساسی و قضااً قصد دارد به نتایج یک تلاش سهمگیری و مباحثه از اینگونه دستیابد.

این میز مدور یکی از اولین جلسات از اینگونه در کابل بود که به منظور سهم دادن گسترده نمایندگی به رهبران جوامع مدنی، کارشناسان قضایی و هیات لویه جرگه از ولایات بیرون از کابل دایر گردید. در مجموع تقریباً 40 نفر شرکت کننده داشت که نیم آن از کابل و نیم دیگر آن از شهر هار شهرک های دیگر بودند. رهبری این میز مدور بر عهده اعضای

AIHRC با حضور و همکاری اعضای کمیسیون اصلاح قضایی بود. یک سلسله مقالات زمینه ای به لسان دری توسط HPCR (با مشوره نزدیک اعضای AIHRC) قبل از شروع میز مدور پیش نویس و همراه با کاپی فرمان حامد کرزی در مورد لویه جرگه قانون اساسی و مقاله روی اصلاحات قضایی در افغانستان^(۱) به دسترس شرکت کنندگان قرار گرفت.

تنظیم کنندگان این میز مدور با توافق روی یک تعداد پیشنهادات تصمیم گرفتند که به کیفیت و عمق بحث روی مسایل پیچیده اولویت دهند. شرکت کنندگانی از کابل تذکر دادند که با شرکت در ورکشاپ ها و میز مدور های زیادی از آنها خواسته شده بود تا بیشتر از اصل موضوعات به پیشنهادات دیکته شده توجه نمایند. گرچه ممکن است موضوعی را تعیین کنند تا دیدگاهها و نظرات گروپ های متنوع شرکت کننده را توسط آن مشخص سازند.

در کل، آنها از روند عملیه قانون اساسی عمیقاً اظهار یأس کردند: احساس میکنند که جریان اطلاع رسانی به عامه مردم شکست خورده است، اینکه مسؤده باید بسیار بیشتر از این منتشر میشد و مشوره های که مشوق روش آزاد و مناظره باز روی موضوعات مرکزی باشد انجام نشده است. گرچه امیدوار بودند که موضوعات اصلاح قضایی که روی آن بحث کمتر انجام شده بتواند موفق باشد، اگر از لحاظ استراتژیکی و خلاقیت مورد تفکر قرار گیرد. بطور مثال شرکت کنندگان راه حل های تازه در اصلاح و مدرن سازی قانون عرفی و ایجاد تغییرات عمده در قانون مدنی و جزا را پیشنهاد کردند. شاید مهمتر از همه این باشد که شرکت کنندگان حمایت زیاد خود از AIHRC در زمینه اصلاح قضایی، تقاضای بهتر نظارت و تطبیق قانون و هماهنگ ساختن قوانین موجود با نورم های حقوق بشر را نشان دادند. شرکت کنندگان دریافتند موضوعاتی که اکثر بحث روی آنها در گروپ گسترده مشکل است، مثلاً اصلاح قوانین اسلام، رواج دادن مباحثه بیشتر و مشارکت جامعه مدنی در سطح ملی، برای AIHRC و ادارات دولتی قطعی میباشد.

مقدمه

زمینه

بی قانونی، سیستم های ناسازگار قضایی و تعدد مؤسسات قضایی یکی از عواقب دهه های جنگ و نزاع در افغانستان است. جنگ و ناامنی بر علاوه ضایعات پیشمار انسانی تأسیسات دولتی، ظرفیتهای مؤسسات قضایی و جامعه حقوقی و قضایی را شدیداً آسیب رسانده است. همچون همه جوامع بعد از منازعه یکی از مرکزی ترین و طویل المدت ترین چالش های بازسازی، احیاً مجدد سیستم قضایی خواهد بود. در این زمینه اصلاح قضایی و امکان دگرگونی

(۱) این مقالات اساسی و سزالات مربوط آن در ضمیمه II قابل مشاهده است

اجتماعی و نورم‌های که برای تطبیق قانون پدید می‌آورد یکی از جنبه‌های حیاتی احیاً مجدد بعد از کشمکش می‌باشد. طوریکه HPCR در گزارش‌های مختلف تذکر داده درک این مهم است که بازسازی سیستم قضایی (بر خلاف ساخت سرکها و حاصلات زراعتی) نیازمند مناظرات سخت و تصمیم‌گیری روی ارزشها و اصول است که چوکات نظام قضایی جدید را تعریف خواهد نمود.

تحت توافقنامه بین هدف اصلاح قضایی در افغانستان "بازسازی سیستم قضایی وطنی مطابق با اصول اسلام، استندردهای بین‌المللی، حاکمیت قانون و قضا سنتی افغانستان می‌باشد" (۲) یک جنبه قاطع تلاش‌های اعمار مجدد شامل بازسازی متون و مؤسسات است که از حاکمیت قانون حمایت می‌کند. شاید شگفت‌آور نباشد، تمویل کنندگان و سیاست‌گذاران در افغانستان مورد کشمکش وسیع و پیچیده یک دستورالعمل قرار گرفته‌اند که نه تنها توجه فوری به مواد و نیازهای فنی دارد بلکه یک قدرشناسی از مشارکت وسیعتر مفکوره و مسایل کارشناسی است که سیستم قضایی افغانستان و فراتر از آن، فرهنگ قضایی آینده افغانستان را تشکیل خواهد داد.

موازی با نیازهای مادی و تکنیکی افغانستان یک سلسله سؤالات اساسی تر، پافشاری می‌کند که: سیستم قضایی جدید چگونه با خواست قرآنی قضایی مشروع اسلام وفق داده شود؟ عنعنات متنوع محلی رفع اختلاف بیرون از شهرها را جایگزین سیستم قضایی رسمی در گذشته نقش کمتری داشته چگونه بیان خواهد نمود؟ چطور با استندردهای بین‌المللی و به خصوصیات قانون بین‌المللی حقوق بشر منطبق خواهد بود؟ جامعه بین‌المللی چطور در عملیه اصلاح قضایی کمک خواهد نمود که توسط خودافغانها رهبری و گردانندگی میشود.

به هر صورت در سال دوم اصلاح قضایی بسیاری از این سؤالات باقیمانده و بسیاری از گزینه‌های مربوط اینگونه سؤالات کمتر مورد بحث در بین اجتماع مردم قرار گرفته است. عنوان کردن آنها به خصوص برای جامعه بین‌المللی که تجربه کمتری در تأثیر اصلاح قضایی در یک محیط اسلامی بعد از جنگ دارد بصورت چالش باقی میماند. سیاست‌گذاران در امتداد تدارک مادی، فنی، دستورالعمل و ابعاد نظری عملیه اصلاح باید به ترویج درک و بحث آگاهی دهنده برای روشن ساختن ارتباطات آن که اکثراً در سطوح پایین قرار میگیرند و کشف کامل طیف نظرات اثرگذار در شکل‌گیری سیستم آینده ادامه دهند. اگر این اصول اساسی سیستم قضایی، یا دیدگاه قانون اسلامی که در متون قانون جدید تقدیس گردیده‌اند ضد دیموکراسی یا تفرقه انداز باشند پس اعتبارات و تلاشهای وقف شده کمک فنی بر تهداب‌های عیب‌دار بنا یافته است. هسته فکری و تصوری سیستم و درجه که خواهشات و امیدهای اکثریت

(۲) موافقه و تصویب اصولنامه مبنی بر تأسیس مجدد سیستم حکومت در افغانستان ("توافقنامه بین") بند II ۲. قابل دسترس در:

<http://www.uno.de/frieden/afghanistan/talks/agreement.htm>

افغان‌های در جستجوی رونق دوباره زندگی منعکس می‌سازد و سیستم قضایی مسئولیت پذیر کاملاً مرتبط است به تأثیر طولانی مدت پروژه‌های مادی و تکنیکی.

کمیسیون حقوق بشر نقش قاطعی را در تأسیس یک فرهنگ حاکمیت قانون در زمینه اصلاح قضایی پس از جنگ بازی خواهد کرد. وسیعاً قبول شده که وسایل مؤثر حفاظت و برقراری - حقوق بشر در یک جامعه از طریق سیستم قضایی آن میباشد. علاوه بر AIHRC دارای یک قیمومیت مشخص است که "قانون ملی را در جهت هماهنگی با دستورات بین المللی حقوق بشر که افغانستان نیز عضو آن است ارتقاء دهد." (۴) با داشتن این قیمومیت AIHRC باید دخیل و آگاه در عملیه اصلاح قضایی پس از جنگ در دوره انتقالی باشد.

مطابق توافقنامه بین چوکات کار برای دوره انتقالی بعد از جنگ AIHRC یکی از سه کمیسیون تأسیس شده است که بر ارکان اصلاح قضایی (۲) نظارت دارد. از بین این سه ، AIHRC تصدی طولانی مدت تری در دوره رئیس جمهور کرزی حاصل کرده است. مطابق فرمان او AIHRC برای مدت دو سال قلم این کار از تاریخ تعیین شد در چون ۲۰۰۲ خواهد بود. قبل از پایان دو سال قیمومیت AIHRC پیشنهاد دگرگونی AIHRC به یک نهاد مورد احترام قانون اساسی و کمیسیون دائمی حقوق بشر تحت اصول ملل متحد در ارتباط با وضعیت مؤسسات ملی برای ارتقاء و حفظ حقوق بشر ارائه خواهد نمود ("اصول پاریس") (۵)

در گرفتن جای برای اعتبار افغانستان و ایجاد ظرفیت AIHRC نمایندگی از یک سازمان همکار برای تلاشهای بین المللی بازسازی نموده و یک عرصه برای انکشاف جامعه مدنی در سطح کشور میباشد. منحیث یک نهاد غیر سیاسی با یک قیمومیت وسیع حقوق بشر AIHRC توان گرد هم آوردن رهبران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر که در این لحظه در افغانستان همسو نیستند را دارا است.

سیزده ماه است که AIHRC وجود دارد و از مشکل تر ساختن پالیسی و آجندای دفاع و بیان پلان استراتژیک مرحله اول کاری خود باز داشته شده است. تحت یک "قیمومیت وسیع ، و آرامش بخش اما از نظر تکنیکی نا معلوم (۲)

(۲) "فرمان ریاست جمهوری اداره موقت روی تأسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغان" مورخ ۲ جون ۲۰۰۲ ضمیمه یک ، "بخش مأخذ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان" بند ۱ آماده در <http://www.nkri.net/pdf/commissiondecreepdf>

(۲) موافقه و تصویب اصولنامه مبنی بر تأسیس مجدد سیستم حکومت در افغانستان ("توافقنامه بن") بند I-6, II-2, III(C)-6

(۵) "بخش مأخذ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان" بند ۱۵

(۲) AIHRC با انکشاف یک پلان عمل برای حقوق بشر در افغانستان برای نظارت بر حقوق بشر، تحقیق تخطیهای حقوق بشر، اصول اساسی ملی حقوق بشر، و انکشاف مؤسسات محلی حقوق بشر در حال تغییر است. AIHRC پیشبرد این مسئولیتها در سرتاسر افغانستان است با در نظر داشت قابلیت اجرای تمام نورمهها، استندردها و کنوانسیون های بین المللی حقوق بشر. "بخش مأخذ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان" بند ۲

AIHRC در حال انکشاف دادن یک دیدگاه مؤثر تغییر دهنده و اعمار یک سیستم قانونی است که کار هایش را در سرتاسر کشور و تمامی جامعه مدنی مورد حمایت قرار دهد.

میز مدور در مفهوم

در جولای سال ۲۰۰۳ HPCR و AIHRC میزبان یک میز مدور بودند روی حقوق بشر و حاکمیت قانون شدند: اصلاحات قانون اساسی و قضایی. هدف این میز مدور آن بود تا درك مشترك امکانات لازم و چالش های اصلاح قضایی بشمول نقش قوانین اسلام و قانون عرفی را انکشاف و به طرز فکر های مختلف جامعه افغانی میدان دهد تا نظرات شانرا با تصمیم گیرندگان کلیدی روی موضوعات اصلاح قضایی شریک سازند. تنظیم کنندگان با انتخاب دقیق عناوین و طرح جلسات محیط را برای یکنوع گفتگویی جدید روی بعضی از موضوعات پیچیده در اصلاح قضایی افغانی فراهم ساختند که کارکنان دفاع از حقوق بشر و جامعه مدنی را در ساحة تاپش عملی چالش های اصلاح قضایی داخل نمود.

گردانیدن این میز مدور بعضی از چالش های عمده تشکیلاتی را به نمایش گذاشت. به شمول دعوت شدگان از بیرون کابل پیشنهاد برنامه و تدارك لوژستیکي دادند و از تنظیم کنندگان خواهان وقت و انرژی زیادی بودند. بحث روی موضوعات حساس چون قوانین اسلام و عرف نیاز به آمادگی متفکرانه در این زمینه داشت. چوکات استراتژی های گفتگویی سازنده طی جلسات متعدد بین تنظیم کنندگان و ناظران انکشاف یافته بود. هر دو چالش مادی (انتقال، ارتباط، لوژستیک) و سیاسی (موضوعات عمیق بحث بر انگیز که در قلب پروژه بازسازی قضایی قرار دارد) کاربرد موضوع جاری افغانی را نباید دست کم گرفت.

با این وصف این رویداد نتوانست سد راه خواست ناظران در مشارکت و فایق آمدن بر این چالش ها گردد بلکه آنها به کار بیشتر پیرامون آن مبادرت ورزیدند. این یک انرژی چند جانبه بود که از طرف شرکت کنندگان کابل و ولایات به نمایش گذاشته شد و هرقة یادگیری دو جانبه و نیروی محرک مباحثه ماهیت جلسات این دو روز را مشخص ساخت. این تقرب پایدار ناظران در موضوعات حساس و چنجالی آچندا بود که به شرکت کنندگان اجازه داد تا در بحرانی ترین پراپلم های اصلاح قضایی افغانی کاوش نموده و در رفع آن یاری کنند.

اسلوب

آچندای میز مدور طوری طرح شده بود که یک روز روی اصلاح قانون اساسی و یک روز روی اصلاحات قضایی (یا

(۲) به آچندای میز مدور به ضمیمه I مراجعه شود

(۳) به مقالات زمینه ای جلسه میز مدور در ضمیمه II بنگرید

اصلاحات قضایی غیر از قانون اساسی) (۲) بحث صورت گیرد. موضوعات جلسات توسط HPCR با مشوره AIHRC انکشاف یافت و HPCR مواد لازم برای شرکت کنندگان و همچنان سؤالاتی مباحثی که کار ناظران را هدایت کند را فراهم نموده بود. (۳) کمیشنرهای AIHRC منجبت ناظران در اکثر این جلسات کار کردند و یک جلسه نیز توسط یک عضو کمیسرین اصلاحات قضایی نظارت شد.

شرکت کنندگان توسط AIHRC انتخاب و دعوت شده بودند. کمیشنرهای دفتر مرکزی شرکت کنندگان از کابل و کمیشنرهای دفتر اقماری شرکت کنندگان ولایات را دعوت نموده بودند. در انتخاب مدعوین AIHRC مردم فعال در جامعه مدنی به شمول بسیاری از متخصصین حقوقی و چند تن از وکلای لویه جرگه اضطراری چون ۲۰۰۲ را مورد گزینش قرار داده بود. یک تلاش فوق العاده صورت گرفته بود تا عده از زنان را نیز سهیم سازند. در افغانستان و قتیکه مسافرت زنان به جاهای دور لازم باشد مسئله مشکلتر است. کمیسرین مستقل حقوق بشر افغان (AIHRC) برای گردهم آوردن تقریباً ۴۰ نفر شرکت کننده که تقریباً ۱۵ نفر شان زن بودند به پیش رفت. شرکت کنندگان نمایندگی از پایتخت و مرکز شهرهای عمده بیرون از کابل و مناطق اطراف چون ولایت پکتیکا میگردند. (۴)

این میز مدور در زمان پایان یافتن مراحل آخری عملیه تسوید قانون اساسی صورت گرفت که لویه جرگه قانون اساسی را قبل از دسامبر ۲۰۰۲ هدایت خواهد نمود. لویه جرگه و در پی آن انتخابات ماه جون ۲۰۰۲ تحت الشعاع افزایش چالش های امنیتی و وحدت ملی قرار میگیرند که مشروعیت آنها را تهدید و حتی انجام آنها را ناممکن میسازد. طوریکه بعضی از گروههای مسلح مرتبط با طالبان یا پیوسته به دولت یا قوماندانان به تهدید ادامه داده حتی غیر نظامیان را به قتل میسرسانند و همچنان گروهها در بعضی مناطق این را روشن ساخته اند که در حالیکه نیروی بین المللی برای حمایت از افغانها حضور دارند تحمل اختلاف نظر یکدیگر را ندارند و وقت تعیین شده بر عملیه باز سازی زیر سؤال رفته است. زمانیکه این میز مدور دایر بود قرار بود لویه جرگه قانون اساسی در اکتوبر برگزار شود (با وعده که مسوده قانون اساسی در اول سپتمبر نشر گردد) هر دو رویداد باز هم به تعویق افتاده است. گذشته از آن چون پروگرام ملکی سازی و استقرار مجدد زیر سؤال باقیمانده این احتمال هست که سطح ناامنی به خصوص بیرون از کابل اجراءات لازم برای یک انتخابات آزاد و عادلانه (مثلاً ثبت نام رای دهندگان و ایجاد مراکز اخذ رأی) در دستیابی به موقع آن یعنی انتخابات ملی ماه جون را ناممکن سازد. بناً میز مدور با نقطه اوج نگرانی و عدم اطمینان راجع به بسیاری از فرضیات تحت اقدام عملیه تحت رهبری ملل متحد همزمان گردید. برای سازماندهندگان طوری معلوم میشد که این دقیقاً زمان مهم جمع کردن افغانها از اطراف کشور با یک حضور متعهدانه میباشد تا حفاظت از حقوق بشر، احترام به اصول اسلامی و تشکل های اجتماعی در حمایت از احیاء مجدد جامعه افغانستان و هر دو موضوع اساسی و جزئیات تخنیکی موضوعات مربوط قانون اساسی و اصلاح قضایی را مورد بحث قرار دهند.

(۴) نمایندگان غیر کابلی شامل نمایندگان از بامیان، گورنر، فراه، قندمار، هرات، پکتیا، غزنی، مزار شریف و پکتیکا بودند.

گزارش جلسه

جلسه I آمادگی برای لویه جرگه قانون اساسی

این جلسه اول به سه سؤال وابسته به هم تحت موضوع "آمادگی برای لویه جرگه قانون اساسی" نظر انداخت. اولاً شرکت کنندگان درس های را که از لویه جرگه اضطراری از لحاظ مشروعیت عملیة نمایندگی تصمیم گیرندگان آموخته بودند مورد آزمایش قرار دادند. دوماً متوجه وضعیت موجود آمادگی برای لویه جرگه قانون اساسی به شمول متن فرمان رئیس جمهور کرزی (صادرة روزها قبل از برگزاری میزمدور) که روش های برگزاری لویه جرگه قانون اساسی و انتخاب نمایندگان را نشان میدهد، شدند. سوماً شرکت کنندگان نقش عاملیت که باید به شکل های جامعه مدنی AIHRC در حمایت از عملیة گردهمایی لویه جرگه قانون اساسی داده شود را مطالعه نموده به دو سؤال داده شد جواب دادند.

نظریات شرکت کنندگان:

- "لویه جرگه آینده حداقل 172 ماده از قانون اساسی جدید را مورد بحث قرار خواهد داد. امکان مناظره روی 172 ماده چنین یک سند مهم توسط لویه جرگه قابل پرسش است."
- "آقای نعمت الله شهرانی (رئیس کمیسیون قانون اساسی) به ولایات فرستاده میشود تا نظریات مردم در باره نوع حکومت که میخواهند را بیاید، ولی (مخالف قیمومیتش) او به مردم تأکید نیاز آینده افغانستان به حکومت جمهوری را مینماید. این نشان میدهد که در مورد حکومت (و بسیاری عرصه های دیگر) قبلاً تصمیم گرفته شده است."
- "سهگیری عامه در تسوید و مناظره قانون اساسی تنها زمانی ممکن میگردد که امنیت باشد و یا اگر امکانات مالی برای چنین مشارکتی وجود داشته باشد."
- "یک مسئله بسیار سخت این است که آیا امنیت بر قانون ترجیح داده شود و یا برعکس. هر عملیه سیاسی شامل اجزای مثبت و منفی سیاسی میباشد سؤال این است که چگونه میتوانیم راه رسیدن به هر دو را مورد چانه زنی قرار دهیم؟ بطور مثال در لویه جرگه قبلی فرماندانان مردم منطقه مربوط خود را سربازان خود فکر میکردند. هیچگونه کنترول و نظارتی بر نیروی فشار آور شان نبود. باید یک مؤسسه قضایی مشتمل از کارشناسان حقوقی بر لویه جرگه نظارت و جریان کار نیروهای مثبت و منفی نظارت کند"

«من یک ژورنالیست هستم و اخیراً بیشتر وقت خود را صرف گفتگو روزانه با مردم افغانستان در مورد نظرات شان راجع به قانون اساسی نموده‌ام. نظر اکثریت مردم افغانستان اینست که افغانستان از یک ترکیب قومی متنوع تشکیل گردیده اما امکان مشارکت (آزاد) مردم در انتخابات چون لویه جرگه در واقع وجود نخواهد داشت مگر با ایجاد نظم. همه چیز دیکته شده است هر کس هر چه میگوید بی نتیجه است چون صدای مردم شنیده نمیشود.»

«لویه جرگه قبلی یک "لویه جرگه اضطراری" بود. ما باید روی کلمه اضطراری تمرکز کنیم. در حالت اضطراری وضعیت طوریست که حاکمیت قانون وجود ندارد. در حال حاضر ما در وضع اضطراری باقی مانده ایم و می‌توانیم ارائه شده توسط آقای کرزی نیز ادامه حالت اضطراری است و پس. در چنین وضعیتی بطور این لویه جرگه که قرار است بر موضوع مهمی چون قانون اساسی تصمیم بگیرد میتواند به جز از ادامه حالت اضطراری چیزی دیگری باشد.»

«بطور ما میتوانیم به حاکمیت قانون به چسبیم در حالیکه تفنگ نظریات مردم و آیات قرآن را تحریف میکنند؟ قانون اساسی در افغانستان در خفا بوده، مردم در باره آن هیچ نمیدانند علی‌الرغم این واقعیت که کاپی‌های آن در خارج بدست مردم رسیده است. تنها نتیجه (که کسی میتواند بگیرد) اینست که مردم افغانستان از دیدن آن منع شده‌اند و آنها نباید توقع داشته باشند که لویه جرگه پیشرو مشکلات عمده شان را حل کند چون لویه جرگه فقط یک حل نمادین است.»

«بسیاری از مردم معتقد اند در قانون اساسی شتاب صورت گرفته اینک به عملیه آماده سازی مسوده قانون اساسی فقط شش ماه وقت داده شده در حالیکه در کشور مثل ایالات متحده سالها وقت لازم است تا یک ماده مورد قبول قرار گیرد. این تأیید میکند که ما نمیتوانیم نظریات خود را در چنین وقتی کم روی قانون اساسی مطرح کنیم.»

«ما تقاضا داریم که کمیسیون حقوق بشر شعبات خود را در تمام ۳۲ ولایت تأسیس کند. تنها از این طریق در مبارزه بلند بردن سطح اطلاعات مردم مشارکت کرده میتوانند.»

«میخواهیم به فیصدی تخصیص یافته به خانم‌ها برای مشارکت در لویه جرگه اعتراض کنیم. این فیصدی ناچیز است و باید مطابق فیصدی نفوس زنها در کشور باشد. نمایندگان زن نباید خواهرها همسر قوماندانان محلی باشند. (چون لویه جرگه قبلی) و باید زنانی باشند آگاه به حقوق زنان، آزمایشات و سختی‌هایی که زنان افغان در ۲۳ سال قبل متحمل شده‌اند.»

«بسیاری از ما میگوییم که چیزیکه ما از قانون اساسی می‌خواهیم عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی

یک مفهوم گسترده است. باید برای آن یک تعریف باشد. اگر ما قانون بنویسیم و هیچ تضمین در اجرای آن نباشد به هیچ دردی نخواهد خورد. مردمی که پوسیده تنگ سالاران تغذیه میشوند باید کنار هم بیایند اما گزینه ها نباید از مردمانی باشند که طی دهه های گذشته بر کشور حکم رانده اند.

شرکت کنندگان درین جلسه قویاً احساس ناامیدی، واماندگی و سر خوردگی خود را با عملیه انتقالی به شمول تسوید قانون اساسی جاری اظهار داشتند. آنها نواقص لویه جرگه اضطراری را تأیید نموده، آنها را به شرایط حالت اضطراری آن وقت در کشور نسبت دادند. بنا برین آنها همچنان دولت را به چالش گرفتند که شرایطی را مشخص سازد که در بهار ۲۰۰۲ نیاز به معیارهای اضطراری داشته ولی هنوز هم تخفیف نیافته است و اینکه وضعیت اضطرار زمینه مناسبی برای تأمل بر یک بازسازی ملی مثل ساختن قانون اساسی نیست. مضافاً موقف شرکت کنندگان یک مشاخره خوبی را به نمایش گذاشت که برای به تعویق انداختن لویه جرگه قانون اساسی از طرف بعضی مؤسسات بین المللی پیشنهاد شده بود. (۱۰) هرگونه تعویق باید با مقیاس طراحی شود که شرایط ناامنی و بی قانونی جاری که در مقابل هر عملیه مشروع مثل انتخاب و کلا قرار دارد را بهبود بخشد. هر تعویق باید هدف پایان دوره اضطرار را نیز داشته باشد.

شرکت کنندگان و گردانندگان میز مدور اطلاع داشتند که کمیسیون قانون اساسی و ملل متحد قصد دارند نظریات درباره قانون اساسی را با توزیع پرسشنامه ها و گرفتن پیشنهادات کتبی و گرفتن جلسات عمومی جمع آوری نمایند. جلسات عمومی طوری طراحی شده که گروه های مختلف مردم مثلاً علمای و زنان جدا از هم باشند تا به اظهار نظر آزادتر تشویق شوند. از ناظران خواسته میشود که با استفاده از مشاورین شان و تمام معلومات داخل پرسشنامه ها و نظریات کتبی گزارش تهیه کنند، یافته های جلسات عمومی و گزارش ساحوی کمیسیون را به طور سیستماتیک در پیش نویس قانون اساسی باز کرده و مبتنی به تازه های است که و کلا به آن وارد خواهند نمود. (۱۱) بر علاوه ملل متحد نیز پلان دارد که از کارکنان کمیسیون قانون اساسی و پلان گذاران لویه جرگه حمایت کند. (۱۲)

تاکنون سازماندهنگان فقط یک مورد غیر قابل پیش بینی ولی عمیق عجز در عملیه جاری را در بین شرکت کنندگان یافته اند. شرکت کنندگان نظر به تخصص، جنسیت و منطقه به این واماندگی ها رسیده بودند. اکثریت شرکت

(۱۰) "عملی ناقص قانون اساسی" گزارش گروه بین المللی بحران، ۱۲ جون ۲۰۰۳، ii موجود در

http://www.intl-crisis-group.org/project/asia/afghanistan_southasia/report/A401002_12062003.pdf

(۱۱) مصاحبه HPCR، نماینده کمیسیون قانون اساسی، ۱۲ جولای ۲۰۰۳

(۱۲) مصاحبه HPCR، کارمند یوناما، ۱۲ جولای ۲۰۰۳

کنندگان از تجارب شخصی خود در رابطه به مشاوران قانون اساسی سخن گفتند. مشخصاً شرکت کنندگان از احساسی گفتند که نظرات ابراز شده در مشاوره ها جدی گرفته نشده است و اینکه پرسشنامه ها ناقص طراحی شده بود و مناسب جمع آوری افکار مردم نبود. این مشکل جدایی بین عملیه حقیقی اصلاح قانون اساسی و احساس آن مردمی است که از این عملیه متأثر میگردند.

شرکت کنندگان نشان دادند که به مسئله نقش جامعه مدنی و AIHRC در زمینه موجود جواب داده نمیتوانند. در نبود اطلاعات کافی مردم راجع به عملیه و مواد پروژه قانون اساسی فرصت حمایت از تلاشها و پیش برد یک آجندای حقوق بشر برای رهبران جامعه مدنی مبهم میباشد. آشفتنگی ذهنی شرکت کنندگان با نگرانی های امنیت فیزیکی کاندیداهای مستقل نمایندگی و دیگران برای اطمینان از نمایندگی کردن عادلانه و آزاد، نشان داد که نیروهای مخالف این عملیه نه تنها سازمان یافته و قدرتمند از نظر مفکوروی بوده بلکه شدیداً مسلح نیز میباشند. با آخیره شرکت کنندگان احساس کردند مسئولیت حفاظت از مشروعیت عملیه در این اوضاع و احوال به عهده نمایندگی اقتدار دولتی میباشد. جامعه نو ظهور و انکشاف نیافته افغانستان از نظر منابع و ظرفیتها مجهز نیست تا از عهده نهاد های سیاسی و نظامی بر آید در حالیکه شاهد اخلاص آنها بر روند دموکراسی است.

جلسه II: قانون اساسی، قانون عرفی و حقوق بشر

بحث قانون عرفی توسط کمیشنر و ناظم (Moderator) AIHRC هنگامه انوری آغاز یافت. او از شرکت کنندگان خواست تأیید کنند که بسیاری از تجارب عرفی ایجاد شده در کشور محدود به اطراف و منطقه معین نمیشود. او آنها را تشویق کرد که عیوب بسیاری از اجراءات عرفی را به خصوص با در نظر داشت بر خورد شان با زنان مورد شناسایی قرار دهند. بعد از شرکت کنندگان خواست تا از جلسه به حیث فرصتی برای در جریان قرار دادن دیگران از توقعاتی که با توجه به قانون عرفی از AIHRC دارند استفاده کنند.

این جلسه شرکت کنندگان را به گروهها تقسیم کرد تا دو سؤال را مورد بحث قرار دهند: آیا قانون عرفی باید در قانون اساسی به رسمیت شناخته شود؟ و اگر پلی، به چه صورت باید اصلاح گردد؟ هر سؤال به دو گروه داده شد و بعد هر یک از چهار گروه جواب های خود را برای بحث همه شرکت کنندگان ارائه نمودند.

تذکرات شرکت کنندگان:

«بسیاری از رسم و رواج های ما ریشه های قبل از اسلام دارند. در بسیاری زمان ها قوانین عرفی برای

جامعه ایجاد نظم نموده ضمن اینکه از حقوق اقلیت ها چون زنان و کودکان تخطی میکنند. بطور مثال دادن دختر به بد: این خلاف قوانین ما و خلاف شریعت است“

• ”این رسوم مخالف حقوق بشر، قوانین ما و شریعت است ولی آنانکه مجریان این رسم و رواج ها اند مرتباً از مهم بودن شرع موعظه میکنند در حالیکه خود احکام اسلام را میشکنند.“

• ”طوریکه در سؤال اول ذکر شده، آیا قوانین عرفی باید به رسمیت شناخته شود، ما باید بدانیم که تمامی عنعنات و رسومات نه کاملاً ننگین اند و نه کاملاً قابل قبول. رسومات باید مورد ارزیابی قرار گیرند و آنهااییکه مطابق شریعت و حقوق بشرند باید به رسمیت شناخته شوند.“

• ”رسومات آبرومند یا ننگین یک شبهه به وجود نیامدند، آنها نتیجه مدتها رواج فرهنگها اند و اصلاح آن نیز وقت میخواهد. بطور مثال ما یک عنعنه ننگ آور در مورد قتل داریم که قاتل باید یک انسان زنده (یک دختر) به تاران مقتول بدهد. شاید این بهتر باشد به جای این کار خون بها به پول پرداخت گردد. ما میتوانیم اضافه کنیم که باید مرجع صلاحیت داری که بر تصامیم هرگه ها نظارت کند باشد طوریکه آنها نتوانند سر به خود عمل کنند.“

• (گروپ اول) ”فرض میکنیم قانون عرفی برسمیت شناخته شود، ما پیشنهاد داریم:

□ تصامیم هرگه نباید مخالف حقوق بشر، شریعت اسلام و قوانین مدون باشد.

□ تا زمانیکه شکایتی علیه یک موضوع مطرح نگردد هیچکس حق تحقیق و تصرف بر آنرا ندارد.

باید مرجع صلاحیتدار بطور برابر برای همه جهت رسیدگی به آن وجود داشته باشد.

و قتیکه اتباع کشور به حقوق خود آگاه شوند توانایی قانون عرفی رو به کاهش خواهد گذاشت.

□ طلاق و نکاح باید در دفاتر قضایی ثبت گردد.

□ اطفال نباید توسط کلان ها برای ازدواج آینده نامزد شوند.

□ محکومیت و جزای جرم باید در انحصار قوه قضائیه بوده خارج از صلاحیت قانون عرفی قرار داده شود.

• (گروپ دوم) ”همچنان فرض کنیم که قانون عرفی تا حدودی برسمیت شناخته شود ما سه پیشنهاد داریم:

□ قانون عرفی باید توسط قانون اساسی برسمیت شناخته شود و تصامیم گرفته شده از طریق قانون

عرفی ثبت نشده ضمانت اجرایی نداشته باشد و غیر قانونی محسوب گردد. هرگه ها باید چوابگویی تصمیمات شان باشند.

□ اگر حاکمیت قانون در سرتاسر کشور اعمال گردد، با آگاهی از حاکمیت قانون دیگر ضرورتی به

قانون عرفی نخواهد بود.

□ چگونه آمادگی برای شروع یک پیشامد قضایی تا زمانیکه قربانی مدعی نشود در قانون ما وجود ندارد. به نمادهای چون AIHRC و کمیسیون قضایی باید اختیار غور بر تخطی ها و دعوای داده شود.

جواب شرکت کنندگان به سؤال که آیا قانون عرفی برسمیت شناخته شود یا نه؟ زمزمه یک "پلی" بود. نتیجه نهایی این بحث یک مقاله انتقادی از مؤثریت بحث را رایج داد که معمولاً در تب و تاب برسمیت شناختن قانون عرفی ظاهر میگردد. اعتماد گسترده اکثریت مردم افغانستان به قانون عرفی و روش های دیگر حل منازعه و ضعف کلی سیستم قضایی رسمی بیان گر لزوم رسمیت بخشیدن و یکپارچه سازی قانون عرفی در سیستم قضایی رسمی منجبت یک منبع ارزان، کارآمد و در دسترس حل منازعات میباشد. ولی شرکت کنندگان اشاره کردند آنگاه که قانون عرفی با حقوق بشر و قوانین ملی در تناقض است، این بحث به شکست می انجامد. اگر سیستم عدلی رسمی برای تقاضاهای مردم کافی نیست پس چاره های ناقص، غیر رسمی و نظارت نشده اجتماعی نباید بطور جایگزین مورد قبول قرار گیرد و کار فشرده برای شایسته سازی آن لازم است.

درین جلسه (Moderators) ناظران AIHRC در راه انداختن بحث روی چالش های عملی ایجاد شده با اجرا فعلی قانون عرفی، به غیر از یک سؤال انتزاعی در مورد سندیت اجراءات قبیلوی بسیار موفق بودند. همین بود که مشارکت پر اهمیت دو نفر از اعضای کمیسیون اصلاح قضایی را در این مباحثه نشان داد. آنها راجع به کار کمیسیون اصلاحات قضایی روی این موضوع به شمول تلاش های تسوید، یکپارچه سازی و تدوین قانون و جریان دیدگاههای شان با گروپ تبادل نظر کردند.

جلسه III: حقوق بشر و متن قانون اساسی - اعلامیه حقوق

در این جلسه دو سؤال مربوط به بخش اعلامیه حقوق در قانون اساسی جدید مطرح گردید. اول، چه حقوقی باید در متن اعلامیه حقوق افغانی تضمین گردد؟ دوم، AIHRC چه نقشی در اطلاع رسانی عامه به مفهوم اعلامیه حقوق و اهمیت آن میتواند به عهده بگیرد؟ یعنی چطور ما آگاهی حقوقی را در فرهنگ قضایی خود نفوذ دهیم؟

نظریات شرکت کنندگان:

• "نظر من اینست که ما به حد مناسب به حقوق اولویت نمیدهیم. فکر میکنم که دو موضوع شایستگی

اولویت در جامعه ما را دارند. حقوق زنان و حقوق اقلیت ها، دیموکراسی نمیتواند اجرا شود تا زمانی که زنان نتوانند منحصبت یک عضو برابر در جامعه نقش داشته باشند.

• "یک نهاد نظارتی باید در قانون اساسی گنجانده شود که توان نظارت بر اجرای مناسب حقوق قانونی را داشته باشد. این خلاً باید توسط AIHRC پر گردد."

• "هر چه سهمگیری مردم در شکل گیری قانون اساسی و اعلامیه حقوق بیشتر باشد از اجرای آن بیشتر حمایت خواهند نمود."

• "فشار عمومی برای دفاع از حقوق بسیار مهم است: این برای همه ما در جامعه مدنی و آنانکه به حقوق بشر متعهدند با اهمیت است که به فشار خود بر حکومت برای بیان مناسب حقوق در قانون اساسی ادامه دهیم."

شرکت کنندگان دریافته اند که در یک فرهنگ سیاسی و قضایی مثل افغانستان بدون درک و آگاهی از مفهوم حقوق سیستم قضایی مبتنی بر صیانت آن حقوق ممکن نیست. هرگونه گفتگو در مورد اعلامیه حقوق یا آشنایی دفاع از حقوق بشر در افغانستان بدون گفتگو در باره آگاه سازی مردم و کلاً روحیه عملی حقوق بی معنی خواهد بود. شرکت کنندگان از ولایات به خصوص نگران آن بودند که به اطلاع رسانی حقوق توجه کافی نشود و احساس کردند که بدون بحث روی اینکه کدام حقوق باید حفاظت گردد آنها بصورت قوانین خشک و نظری دور از دسترسی همه غیر از نخبگان و تکنوکراتها باقی خواهند ماند.

شرکت کنندگان همچنان ملاحظه کردند که فرصت های بسیار مهم برای AIHRC روی قیمومیت آگاهی حقوق وجود دارد. یک مبارزه قوی اطلاع رسانی در مورد اعلامیه حقوق به AIHRC فرصت خواهد داد تا به مردم توضیح دهد که اعلامیه حقوق چیست و چرا برای یک افغانستان نوین مهم است. در یک مبارزه اطلاع رسانی عامه AIHRC اصطلاحات فرهنگ سیاسی و قضایی مبتنی بر حقوق را تعریف خواهد نمود. AIHRC قادر خواهد بود که بر اعلامیه حقوق تأکید کند که جز از قانون باشد. این نوع تلاش اطلاع رسانی عامه در مورد اینکه حقوق چیستند و معنی شان در زندگی روزمره چیست تأثیر بسیار زیادی در انکشاف یک فرهنگ جدید حقوقی در افغانستان خواهد داشت. شرکت کنندگان اشتیاق شانرا در حمایت از AIHRC در به عمده گرفتن این نقش مؤکداً نشان دادند.

جلسه IV: تقرب به قوانین اسلام

جلسه با ارایه چهار موقعیت فرضی توسط کمیشنر AIHRC لنگری آغاز شد و شرکت کنندگان به چهار گروه متنوع

خوردتر (شامل زنان و کمیسیونران در هر یک از گروپها) تقسیم گردیدند. موضوعی که به این جلسه داده شد این بود که عکس العمل AIHRC به هر یک از این موقعیت های فرضی چگونه باید باشد. در پایان جلسه گروپها، هر گروپ شخصی را منحیث سخنگو انتخاب کردند تا نتایج حاصله از بحث شانرا ارایه بدارد.

موضوع این جلسه بزرگترین چالش را پیش روی سازماندهندگان و ناظران (Moderator) این میز مدور قرار داد. HPCR مشاهده کرد که اکثر اوقات وقتی مسایل احکام اسلام روی حقوق بشر موضوع بحث قرار میگیرد. سؤال از نظر تیوریکی به شکل تعارض (اسلام و حقوق بشر) مطرح میشود. این صفات اختصاصی موضوع بستگی به قدرت بیان دارد طوریکه اصول فراگیر و حفاظت شده در قانون بین المللی بشر (برابری، عدالت، احترام به همه انسانها) حقیقت غیر قابل انکار است که در قلب اسلام قرار دارد.

گرچه بیشتر فضلا و عاملین تأیید میکنند که جاهای مفید و خاص وجود دارد که سؤالات متعارض را مطرح میسازد. به عنوان یک راه تقرب جدید سازمان دهندگان تکاپو کردند تا به قلب این مناقشه داخل شوند. نمونه مثال های از این تناقضات متنی به جای مقایسه کیفیات واقعی پشتیبان این در قانون، با اشاره به اینکه در چه مواردی اعلامیه بین المللی حقوق بشر و احکام اسلام یکدیگر را نقض میکنند مطرح کردند. این روش تقرب پیچیدگی عملیه یکپارچه سازی قانون را تأیید میکند در حالیکه مسلمانان متقی و با ایمان خواهان احترام به اصول حقوق بشر در زندگی شان اند ولی در قانون باید با آن دست به گریبان باشند. این یک چالش است که افغانها با آن مواجه شده اند در حالیکه میخواهند سیستم قضایی اسلامی داشته باشند خواهان صیانت از حقوق بشر نیز هستند.

پیشنهادات شرکت کنندگان (۱۳)

قضیه نمبر یک: سمیرا تنها شاهد یک قتل توسط یک مرد که منطقه شانرا برای مدتی به دهشت انداخته بود میباشد. قاضی محلی گمان میکند که تا زمانیکه یک زن و یک مرد دیگر همراه او شهادت ندهند شهادت او قابل قبول نیست. سمیرا به دفتر محلی AIHRC رفته ادعا میکند از حقوق انسانی اش تخطی به عمل آمده و او میخواهد که شهادت دهد.

AIHRC چگونه جواب بدهد؟

• شرکت کنندگان این قضیه را در حد بالای چالشی یافتند: قضیه توسط یک استاد جوان فلسفه اسلامی ارایه شد که تذکر داد "دلیل اینکه قانون اسلام مانع از شهادت مساری زنان با مردان است که زنان و مردان از نظر

(۱۳) یک متن کاملی از موقعیتهای فرضی در ضمیمه II صفحه ۳۱ موجود است، درینجا خلاصه از هر قضیه گنجانده شده است.

بیولوژیکی و فیزیولوژیکی با هم تفاوت دارند و زنان خیلی بیشتر از مردان در اتهام با گذشت تر و رؤف ترند. بنابراین اسلام تشخیص میدهد که زنها ممکن است پیش از آن نرمی و ملایمت کنند که نتوانند برای فرستادن کسی به محبس یا اعدام شهادت دهند. " بسیاری از شرکت کنندگان مرد و زن این موقف را قابل ایراد دانسته و گفتند که این نمیتواند یک اساس قانع کننده برای ساختن قانون باشد. دیگران تذکر دادند که این اصل با اصل بر خورد برابر اسلام با انسانها در تناقض است. زمانیکه این قضیه ایجاد بحث نمود گروه در عدم اطمینان از اینکه چه وظیفه را AIHRC روی قضیه به عهده بگیرد باقی ماند هیچیک از آن تناقضات آرایه شده جواب ادعای بر حق آن زن نمیباشد.

قضیه نمبر نو: در یک ولایت در افتاده در خانواده بعد از یک نزاع برای جستجو راه حل به شورا مراجعه میکنند. شورا تصمیم میگیرد که جوانترین دختران خانواده ها تبادل شوند تا صلح به قریه باز گردد. پدر یکی از دخترها ادعا میکند که با این تصمیم حقوق انسانی اش مورد تعرض قرار گرفته است. AIHRC چطور به این شکایت پاسخ دهد؟

• گروه تعیین شده برای این قضیه تذکر دادند که این بسیار مهم است دانسته شود که تصمیم شورا خلاف شریعت اسلام و قوانین مدون افغانستان است. یک جنبه از تصمیم گروه در باره این حقیقت بود که برسمیت شناختن چنین تصامیم در شورا و جرگه های کوچک بحران ساز است. یکی از شرکت کنندگان ایراز نمود: " ما همه میدانیم که این قبیل تصامیم در کابل گرفته میشوند ولی ما خود را متعهد به آن نمیدانیم" گرچه شرکت کننده دیگری گفت " اگر این تصمیم با موافقه هر دو فامیل انجام گرفته بعداً زمانیکه دختران به سن بلوغ برسند این تبادل باید صورت گیرد" این نظر قویاً توسط بعضی از شرکت کنندگان رد شد. اشتباهیکه اکثر اوقات در بحث قوانین افغان روی میدهد عدم تفریق مردم بین قوانین اسلام و رسومات قبیله‌ای است. این گروه موافق بود که پیشبرد یک تحقیق مناسب و کامل قضیه برای AIHRC بسیار مهم خواهد بود و در اخیر تقریباً همه توافق کردند که AIHRC باید تلاش کند تا این گونه اعمال را متوقف سازد.

قضیه نمبر سه: میثه زنی با سه طفل با اسماعیل ازدواج رسمی نموده است. یک روز اسماعیل لفظ طلاق ثلاثه را در مورد او بکار برد و میثه به خانه پدرش بازگشت. طلاق به ثبت نرسیده و میثه ادعا میکند که اسماعیل هنوز شوهرش است، ولی محکمه آنرا رد میکند. او شکایت نامه را به AIHRC خانه پری میکند. آنها چه جوابی باید بدهند؟

• بسیاری از شرکت کنندگان فکر کردند که این موضوع بسیار واقع گرایانه است چون بسیاری از زنان افغان با چنین وضع مواجه اند. جالب اینکه شرکت کنندگان قانون مدنی و قانون ازدواج را محور توجه قرار دادند تا

زنان را از تعرض شوهران شان مصئون سازد. بیشتر شرکت کنندگان احساس کردند که استراتژی مؤثر AIHRC در این قضیه آن خواهد بود که با محکمه محلی مینه تماس حاصل کند و تذکر دهد که اگر نکاح خط ثبت شده است پس اسماعیل باید مهر مقتضی به مینه را تأدیه کند. بعضی اظهار نظر کردند که لازم است طلاق نیز ثبت شود تا شوهران نتوانند بدون ثبت نمودن تصمیم شان در یک محکمه رسمی دست به اینگونه طلاق های بهانه چویانه بزنند. بعد از یک بحث بسیار مهم شرکت کنندگان نظر دادند که ثبت نکاح خط نه تنها پیشنهاد میگردد بلکه باید اجباری شود که در نتیجه آن قسماً علاقه مردان به طلاق همسران شان کمتر گردیده و حقوق زنان قویتر مورد حفاظت قرار خواهد گرفت.

قضیه نمبر چهارم: محمود یک جوان ثروتمند دستگیر و متهم به دزدی شده و معترف به جرم است. قاضی مناقشه میکند که در باره این شکل دزدی در قانون جزای افغانستان جزای مشخص نشده بناً با استفاده از حدود یا جزای شرعی محمود را محکوم به قطع عضو میکند. فاروق فرد دیگری از جامعه شکایت نامه به وکالت از محمود مبین اینکه محکمه با اجرای زجر آورو پیرحمانه مرتکب خلاف شده است راه AIHRC پیش میکند. AIHRC چطور باید عمل کند؟

• گروه در مورد حدود که بخشی از جزای اسلامی است و اینکه قانون جزاً اجازه دهد تا حدود اجرا شود موافق نبودند و انتظار داشتند که فقط جزاهای تعزیری رسمیت یابد. گروه نظر نداشت که قانون به خودی خود میتواند اصلاح شود یا تغییر کند مگر با تقریه و تطبیق روشهای قضایی که در نتیجه جزای چون قطع عضو نیز تقلیل خواهد یافت. تحلیل گروه کوچک توسط یک استاد حقوق بیان شد. او گفت این برای اصلاح کنندگان قضایی افغان حایز اهمیت بود که انکشاف در زمینه جرم شناسی بحث های قانونی و قانون جزاً را مطابق انکشاف در کشورهای دیگر سازد. گفت: به طور مثال در بسیاری از کشورهای انگیزه جرم اکثر اوقات مد نظر میباشد. (یک تحقیق همچنان از قانون جزای اسلام به خصوص در مورد سرقت حمایت میکرد). او همچنان اضافه کرد که ممکن است عوامل سبکتر از قبیل "اقتصادی، روحی و جسمی" نیز در سرقت نقش داشته باشد. این گروه همچنان تذکر دادند که مهم است پرسیده شود که اعتراف هر چه اساسی بوده تا اطمینان حاصل گردد که تحت فشار ارایه نشده باشد.

اعضای این گروه در این میز مدور نمایندگی از یک گروه متنوع با نظرات متنوع نموده نقش مناسب اسلام در سیاست و سطح اطلاعات اسلامی خود شان را به نمایش گذاشتند. در بین شرکت کنندگان افرادی چندی بودند که در رشته قوانین اسلامی تحصیل کرده و در زمینه قانون و فلسفه اسلامی تخصص داشتند. تعداد زیادی از شرکت

کنندگان تعلیمات اسلامی نداشتند ولی در قوانین موضوعه متخصص بودند. بین شرکت کنندگان زن نیز این تنوع موجود بود، تعدادی چند زن در گروپ های زنان مسلمان شامل بودند یکی از زنان در رشته الهیات در ایران تحصیل کرده بود و دیگران با سابقه تعلیمات اسلامی نامشخص بودند. تعداد قابل توجه زنان شرکت کننده با آزادی که خود ایجاد کردند ناراحتی خود را با انتقاد از استناد به یک روش سنتی نقش جنسیت در اسلام اظهار داشتند.

گفتگو استثنائی پرده و صادقانه بود و بسیاری این واقعیت را نظر تأیید کردند که قبل بر این آنها هیچگاه نتوانسته اند که چنین موضوعاتی را در یک فضای آزاد مورد بحث قرار دهند. شرکت کنندگان بارها با انتقاد های همقطاران شان آزرده، دلخور و هتک حرمت شده بودند. در آخر با سؤال یکی از شرکت کنندگان که پرسید "اما در پایان ما خانمی داریم که حقش را میخواید. و آیا آماده ایم که به او بگوییم که جوابی برایش نداریم؟" گفتگو در ابهام فرورفت. با آنهم ریشه این ناراحتی در جاییست که نیروی اصلاح اسلامی از آن نشأت میکند. چالش های سؤال پیچ کننده این قضایای فرضی بوسیله انضمام و یکپارچه سازی عموماً جواب آسانی ندارد. گوش دادن به دیگران مشکل پیش روی اصلاحات قضایی در دوره انتقالی با زمینه اسلامی را تأیید میکند که ایجاد راه حل های آن فقط با تحریک و نهایتاً اختیار دادن بیشتر به اصلاح کنندگان افغان است. ابهام نه انجام بلکه آغاز مسیر حرکت پسری امتیاز دادن به هر دو سیستم قانونی میباشد.

حقوق بشر و قوانین مدنی و جزا

سؤالات موضوعات خطاب شده:

این جلسه با بیانیه کمیشنر (Moderator) فرید احمد حمیدی افتتاح گردید، نامبرده روی اهداف و نقش قوانین جاری افغانی در سیستم قضایی روشنی انداخت. آقای حمیدی خلاصه از تلاش جاری AIHRC برای پیش نویس یک تفسیر قوانین در پرتو قانون بین المللی حقوق بشر را نیز ارائه نمود. کمیسیون پلان دارد که پیش نویس این تفسیر را بعد از اتمام آن در اختیار عموم برای مطالعه قرار دهد.

در بحث قوانین قضایی افغان در زمینه های چون این میز مدور مهمترین فارمول مشترک توجه دارد به مسئله تطبیق قانون، مراقبت از اینکه قوانین تقریباً بی عیب باشند و پراپلم هاییکه آفت سیستم جاری بوده و از اجرای ناقص قانون بوجود میآید. برای گذار از این فارمول شرکت کنندگان در اینجا تصدیق کردند که قوانین به خودی خود کامل نبوده نیاز به اصلاح دارند. شرکت کنندگان همچنان پشتیبانی خود را از تطبیق قوانین کم نکرده اما از ارزش سناریوی کامل بودن قوانین کم کم کاسته شد. شاید به دلیل پشت هم قرار دادن این بحث در جلسه روی برخورد ها بین قانون اسلام و

قانون حقوق بشر که مثال‌های مشخص از اصلاحات ضروری داده شده در سناریوهای فرضی که در جلسه قانون اسلامی برپا گردید عامل آن بوده باشد. بطور مثال شرکت کنندگان نظر دادند به ضرورت ثبت اسناد از دواج و طلاق تا راه‌گریز در برخورد نا برابری زنان و مردان تحت نام قانون اسلام مسدود گردد.

یکبار دیگر شرکت کنندگان صدای حمایت قوی خود از AIHRC در مطرح ساختن موضوعات این جلسه بلند نمودند. شرکت کنندگان خواستار پیشبرد یک آجندای اصلاحی دفاع توسط AIHRC با کمیسیون اصلاحات قضایی به هدف مطالعه ثبت قوانین به روش مؤثر از طریق اصلاحات سیاسی شدند. ضمن تشویق پروژه‌های جاری مطالعه که توسط کمیشنران تشریح شد شرکت کنندگان اصرار نمودند که AIHRC به ایفای نقش در حالیکه عملیه اصلاح قضایی روشن می‌گردد ادامه دهد.

نتیجه

اهمیت ادامه گفتگو

این میز مدور فایده فوق العاده گفتگو بین افغانها از کابل و ولایات را به نمایش گذاشت. بسیاری از شرکت کنندگان به بصیرتی که از این ملاقات و باگوش دادن به همدیگر فرا گرفتند قایل شدند: شرکت کنندگان از کابل از اهمیت گوش دادن به نظریات ولایات سخن گفتند و شرکت کنندگان از ولایات ارزش شنیدن نظریات مرکز را بیان داشتند. هر عرصه که نمایندگان و پیشگامان از ولایات و مرکز را برای تبادل نظر و همکاری گرد هم می‌آورد یک تمرین ارزشمند ایجاد ارتباط و اعمار کشور است. در اثنای برنامه ریزی این میز مدور AIHRC و HPCR ناراحتی قابل ملاحظه و چالش در هر رویداد مشمول شرکت کنندگان از ولایات و کابل را دریافتند. شاید علت اینکه این فرصت‌ها بسیاری از مواقع میسر نمی‌گردد قابل درک باشد. بنابراین حضور دفاتر ساحوی و ظرفیت تشخیص رهبران اجتماعی خارج از کابل برای این گونه تبادل افکار و تفاهم دو جانبه یک همکاری ارزشمند برای گفتگوی ملی ایست که AIHRC بطور بی نظیری موقف ساختار آنرا به عهده دارد.

این رویداد به AIHRC به مثابه یک عرصه تجمع برای بحث سیاسی و اطلاع رسانی عامه روی موضوعات حقوق بشر و اصلاح قضایی نیز کمک خواهد کرد. با دور از دسترس بودن جامعه مدنی برای همه در کشور و دخیل ساختن آنان در مباحث این چنین AIHRC هیات‌های نمایندگی خود را در سراسر کشور بین مردم افغانستان تقویت مینماید. هیات‌های نمایندگی که منابع حمایت سیاسی و تمرکز برای تلاش‌های اطلاع رسانی را فراهم میسازد. یافته‌ها از بحث‌های

مستقل برای کمیسیون استراتژی توجه بر قیومیتش جهت کمک به اولویت دادن فعالیت های مشخص چون اطلاع رسانی عامه و دفاع حقوق یا اصلاحات معین همراه با کمیسیون اصلاح قضایی را فراهم میسازد.

پیام به افغانها و پالیسی سازان بین المللی

چند موضوع در بین نظریات شرکت کنندگان پیام های عاجلی بودند به افغانها و پالیسی سازان بین المللی و دیگر معماران اصلاح قضایی افغان. شرکت کنندگان تقاضای داشتن صدای در کوریدور قدرت را مطرح کردند. در انتقادشان از عملیه مشوره قانون اساسی و بد بینی شان راجع به حوادث آینده سیاسی خواستار مناظره باز و فرصت دادن به مردم جهت سهمگیری و تبادل نظر گردیدند. آنها نیز خواستند که اطلاعات اساسی بیشتر در باره قانون اساسی، پلان لویه جرگه قانون اساسی و انتخابات ملی و دیگر عناصر قطعی عملیه انتقالی قضا در دسترس علاقمندان قرار داده شود.

اینجا هم مثل هر جای دیگر در افغانستان بالاترین نگرانی برای امنیت بیشتر سر تا سر مملکت بود. شرکت کنندگان از ولایات قصه های آزار دهنده از ارباب قوماندان سالاران گفتند. هیچ بحث استراتژی یا سیاسی روی مسایل اصلاح قضایی نمیتواند از تأثیر سایه تخطی فیزیکی که بر همه کشور چنگ انداخته است آزاد باشد.

شرکت کنندگان همچنان قویاً احساس کردند که اعلامیه حقوق افغانها و اطلاع رسانی حقوق نمیتوانند از یکدیگر جدا باشند. تضمین حقوق بدون دانستن آن حقوق و حتی اینکه تضمین آن چه مفهومی دارد چیزی به غیر از اشارات بی ارزش بسوی قانون حقوق بشر نیست. کلاً حقوق بذات خود یک موضوع جدید است که به فرهنگ قضایی افغانها معرفی میگردد. شرکت کنندگان اصرار داشتند که اصلاح کنندگان در شور و شوق تشخیص بهترین پیشرفتهای فنی برای آرایش سیستم قضایی نباید اساس اعمار بناهای فرهنگ حاکمیت قانون را نادیده بگیرند.

در اخیر باید مد نظر گرفته شود که خوشبینی در افغانستان رو به کاهش است. اعتماد به عملیه اصلاح قضایی و حتی نقش قانون منحیث فراهم آورنده امنیت و تضمین حفاظت از آن نسبت به زمان کار قبلی امسال HPCR به مراتب سست شده است. (۱۲) تصمیم گیرندگان در حالیکه تعهد سهمگیری افغانها را در عملیه سیاسی و دموکراسی داده اند مواجه با محور شدن سریع دریچه های انکشاف جامعه مدنی و حفاظت از حقوق بشر میگرددند. اگر رهایی از آشفتگی افغانها اجازه سخت شدن را داشته باشد، پیشرفت آجندای ملل متحد و عملیه انتقالی مورد حمایت بین المللی خود را کاملاً فاقد پذیرش خواهد یافت.

(۱۲) ببینید به "اصلاح قضایی افغان: چالشها و فرصتها"، خلاصه پالیسی HPCR جنوری ۲۰۰۳. موجود در

http://www.preventconflict.org/portals/centralasia/AfghanLegalReform_PB.pdf.